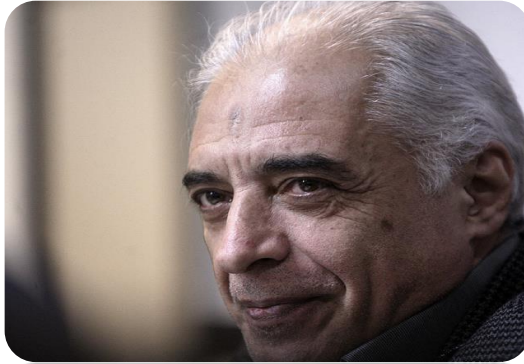




لسان صدق

برخی دیدگاه‌های قرآنی استاد محمدعلی لسانی فشارکی (ره)
مطروحه در جلسات قرآنی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

به مناسبت درگذشت معلم متخلق قرآنی



۱۳۳۲-۱۴۰۱ ش

دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

به مناسبت درگذشت معلم متخلق قرآن استاد محمدعلی لسانی فشارکی



دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

**عنوان: لسان صدق - برخی دیدگاه‌های قرآنی استاد محمدعلی لسانی فشارکی مطروحه در
جلسات قرآنی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی
تدوین: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی
سال انتشار: اسفند ۱۴۰۱**



وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ﴿٥٠﴾ مريم.

و به آنان از رحمت خود بخشیدیم، و برای آنان [در میان مردم] نامی نیک و ستایشی والامرته قرار دادیم.

فهرست مطالب

۷ مقدمه

۱. آموزش قرآن کریم

۱۰ نگاه جامع به آموزش قرآن کریم

۱۱ لزوم پذیرش عمومی برای آموزش قرآن

۱۲ اگر تحمیل جای تعلیم را بگیرد، مقصود حاصل نخواهد شد.

۱۲ در سیره پیامبر (ص) مستقری به سوی مُقَری می‌رفت.

۱۳ اشکال از آنجا پیش آمد که قرآن، درسی شد.

۱۳ در سیره معصوم (ع) تعلیم کتاب الله را به نماز گره می‌زدند.

۱۵ اهمیت آموزش قرآن در سنین پایین

۱۶ چگونگی شروع و پایه آموزش قرآن (اهمیت شنیدن قرآن)

۱۷ شناور بودن تعلیم کتاب الله

۱۸ قیود استمرار آموزش قرآن

۲. تدبر در قرآن کریم

۱۹ امکان تدبر در قرآن

۱۹ قرائت همراه با تدبر

۱۹ حد و مرزهای بین تدبر و تفسیر

۲۰ بازسازی موقعیت آیات در زمان نزول

۲۰ تدبر ترتیبی پیش‌نیاز تدبر موضوعی

- ۲۱ پرهیز از انحصار تدبیر قرآن
- ۲۱ تدبیر فتح باب می‌کند
- ۲۲ لزوم توجه به نظام موجود در کل قرآن
- ۲۲ تدبیر مصنوعی کارساز نیست

۳. آموزش عالی قرآنی

- ۲۳ دانشگاه جامع قرآن
- ۲۴ خاطرهای درباره تدریس دروس معارف

۴. انس با قرآن کریم

- ۲۵ انس مستمر با قرآن کریم از طریق حفظ
- ۲۵ هل عندک من القرآن شیء
- ۲۶ حفظ قرآن مقدمه انس با قرآن
- ۲۸ تعاهد به قرآن
- ۲۹ استظهار قرآن
- ۲۹ استذکار قرآن
- ۳۰ مداومت و ادمان
- ۳۱ لزوم حرکت زیربنایی در فرهنگ‌سازی انس با قرآن کریم
- ۳۳ حمل القرآن با انباشت اطلاعات متفاوت است
- ۳۴ آموزش، تمام انس با قرآن است و انس با قرآن، تمام آموزش
- ۳۵ اگر خلیل انسان، غیر قرآن باشد، «یا ویلتی» دارد
- ۳۵ مانع انس با قرآن
- ۳۶ امت وسط

مقدمه

مرحوم دکتر محمدعلی لسانی فشارکی، دانش آموخته دانشکده الهیات دانشگاه تهران در رشته علوم قرآن و حدیث و حوزه علمیه قم و اصفهان و از اساتید متخلق و شاگرد پرور علوم قرآن و حدیث بودند که سابقه طولانی در حوزه آموزش و پژوهش قرآن داشتند و علاوه بر مطالعات گسترده قرآنی، همواره دغدغه و اهتمام آموزش همگانی و جامع قرآن کریم را داشتند. از ایشان آثار متعدد علمی در حوزه علوم قرآن و حدیث، زبان قرآن و آموزش قرآن منتشر شده که تألیف بیش از یکصد مقاله علمی برای دایره المعارف بزرگ اسلامی و دانشنامه جهان اسلام و چندین عنوان تألیف و ترجمه (مانند شرح فشرده‌ای بر مقدمه المیزان، سپای صابران در قرآن، تاریخ قرآن، مباحثی در علوم قرآن، وحی و قرآن، تفسیر روحانی، علوم قرآنی، تفسیر امام، تفسیر کابلی، خورشید نبوت، تفسیر سوره حمد و سپای هنری ضرب المثل‌های قرآنی) بخشی از این آثار به شمار می‌رود که همواره با درک نیازها و با انگیزه پاسخگویی به نیازهای آموزشی و پژوهشی در حوزه مطالعات اسلامی و قرآنی بوده است.

عضویت و مشارکت فعال در نهادهای راهبر حوزه فرهنگ و قرآن دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، از جمله کمیسیون پژوهش‌های قرآنی، کارگروه آموزش عمومی قرآن و کارگروه‌های کمیسیون پژوهش و آموزش عالی قرآنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، بخشی از سوابق ایشان در حوزه مشارکت در راهبری فعالیت‌های قرآنی کشور به شمار می‌رود. از جمله مهمترین دیدگاه‌های استاد لسانی فشارکی در حوزه آموزش و ترویج قرآن کریم می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

ملازمت آموزش قرآن با نماز

پرهیز از نگاه مستقل به حفظ بدون نظر داشت تعلیمی

نگاه جامع و هدفمند به آموزش قرآن

اهمیت آموزش قرآن در سنین پایین

شروع آموزش قرآن با شنیدن به جای روخوانی

شناور بودن تعلیم کلام الله در تمام عمر انسان

ملازمت قرائت قرآن با تدبر و پرهیز از تدبر بدون قرائت

لزوم تفکیک حد و مرزهای تدبر و تفسیر قرآن

پیش‌نیاز بودن تدبر ترتیبی بر تدبر موضوعی

پرهیز از انحصار در روش تدبر

تأکید بر تدبر طبیعی به جای مصنوعی

مقدمه بودن حفظ قرآن برای انس با قرآن

متفاوت بودن حمل قرآن با انباشت اطلاعات

به مناسبت درگذشت معلم متخلق قرآن استاد محمدعلی لسانی فشارکی

استاد لسانی که عمری در محضر قرآن کریم و با زیستی در پرتوی غنا، عزت و عظمت قرآن، به تربیت شاگردان برجسته همت گمارد، بیست و پنجم رجب المرجب ۱۴۴۴، مصادف با ۲۷ بهمن ماه ۱۴۰۱ به جوار رحمت و غفران الهی پیوست.

دبیرخانه شورای توسعه فرهنگ قرآنی این ضایعه را به جامعه قرآنی و خانواده محترم ایشان تسلیت عرض نموده و محشور شدن همراه با شهدا و نجات در روز حشر، همراه با علو درجات از درگاه ربوبی برای آن فقید مسئلت می‌نماید.

رَبَّنَا عَلَيكَ تَوَكَّلْنَا وَ اَلَيْكَ اَنْبَنَّا وَ اَلَيْكَ الْمَصِيرُ

۱. آموزش قرآن کریم

نگاه جامع به آموزش قرآن کریم

دو مطلب درباره آموزش قرآن مطرح است. یکی این که اگر همه چیز را در آموزش قرآن نبینیم، با طی سالیان متعدد باز در همان ایستگاه اول هستیم. می‌فرماید: «لقد کان لکم فی رسول اللہ اسوة حسنة»، در سیره پیغمبر اکرم (ص) جز آموزش قرآن هیچ کار دیگری دیده نشده است. پس اگر روی آموزش، کار درست، روش مند، قوی، دلسوزانه و با اخلاص صورت گیرد همه چیز درست می‌شود. این راه هم اضافه می‌کنم که همان قدری که اساتید ثابت و راکداند، عامل حرکت اساتید، دانشجویان هستند. تصور من این است که آن جایی که اساتید واقعاً متحول شده‌اند در اصل دانشجویان متحولشان کرده‌اند. پس ما دانشجویان را متحول کنیم. وقتی ببیند دانشجوی بادرین و بی‌دین از قرآن می‌گوید استاد ناگزیر می‌شود. در مدارس هم همین است. در صورتی که در مراکز دانشگاهی، کانون قرآنی تأسیس شود که به دست دانشجویان اداره شود و معلمان و اساتید از بیرون آن‌ها را پشتیبانی کند، کار پیش می‌رود.^۱

^۱ . صورت مذاکرات کمیسیون پژوهش‌های قرآنی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (از آذر ۸۳ تا تیر

لزوم پذیرش عمومی برای آموزش قرآن

به مناسبت ایام (میلاد امام رضا (ع)) روایتی را تقدیم می‌کنم، سئل علی بن موسی الرضا (ع) عن القرآن فقال علی (ع): کلام الله لا تتجاوزوه ولا تطلبوا الهدی فی غیره، ففضلوا. عرض دیگر این که چه بسا لازم باشد ما به جای ایجاد انگیزه و جاذبه برای مردم، به منظور سوق یافتن ایشان به سوی قرآن، موانع ایجاد جاذبه را رفع کنیم. از جمله راهبردها توجه به این نکته است که ما باید مبنایی را که در سیره پیامبر اکرم (ص)، ائمه معصومین (ع) و علمای عاملین ملاحظه می‌کنیم مدنظر قرار دهیم. بزرگان دین ما دارای یک پذیرش عمومی بودند و همه می‌دانستند که در صورت رجوع، از اقبال و پذیرش برخوردار خواهند شد. یکی از مشکلاتی که در راه قرآن و آموزش آن وجود دارد این است که دانشجویان و دانش آموزان ما فکر می‌کنند اگر در مقاطع بالاتر به کلاس یا جلسه قرآن فراخوانده شوند محکوم و متهم هستند، چرا که می‌باید در نظام جمهوری اسلامی، قرآن را فرامی‌گرفتند ولی نگرفتند، پس متهم هستند، لذا با وجود این فضا اگر می‌بینیم کسانی باز هم در جلسات و کلاس‌ها حاضر می‌شوند نسبت به حضور این عده محدود باید متعجب بود.

به هر حال اگر ما وضعیت را به حالت اولیه یعنی پذیرش عمومی برگردانیم و هر کس یا هر درجه‌ای قابل احترام بوده و پذیرش شود می‌توان به آینده آموزش قرآن امیدوار بود.^۲

۲. کمیسیون فعالیت‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲.

اگر تحمیل جای تعلیم را بگیرد، مقصود حاصل نخواهد شد

در حیطه انس با قرآن، آموزش اصل است، در آموزش هم اصولی مطرح است که غالباً این بحث‌ها مغفول می‌ماند. در سوره جمعه اصل تعلیم کتاب و حکمت در ارتباط با رسالت پیغمبر اکرم (ص) مطرح می‌شود و بلافاصله مطلب به تحمیل تورات تبدیل می‌شود. می‌توان این گونه نتیجه گرفت که اگر تحمیل جای تعلیم را بگیرد، مقصود حاصل نخواهد شد و يك حمل خاصی پیدا خواهد شد و مثالش را در قرآن فرموده:

«کمثل الحمار يحمل اسفارا». اگر تعلیم انجام شود، تعلّم متابع تعلیم است.^۳

دو سیره پیاپی (ص) مُستقری به سوی مُقری می‌رفت

در کنار این اصل اساسی می‌توان به اصول فرعی دیگر دست یافت که در سیره و سنت پیغمبر اکرم (ص) نیز حاکم بوده و آن عبارت است از این که مُستقری - یعنی کسی - که طالب فراگیری قرآن است - به سوی مُقری می‌رفت و نه برعکس. غالب برنامه‌ریزی‌ها، به این مسیر منتهی می‌شود که مُقری به سمت مُستقری می‌رود. باید دنبال این ساز و کار بود که مُستقری به سوی مُقری برود، چه فردی و چه جمعی. مثلاً اهل محل و اهل

۳. صورت مذاکرات کارگروه تخصصی تدبیر و فرهنگ‌سازی انس با قرآن کریم (خرداد تا بهمن ۱۳۸۷)؛

مسجد باید به این نتیجه برسند که به مسؤل قرآن نیاز دارند. در زمان پیامبر (ص)، تعلیم و تعلّم قرآن، به صورت طبیعی و خودجوش بوده است و تربیت معلّم، به هیچ وجه، جایی نداشته است. وقتی زمینه را درست کردیم که همه طالب معلّم قرآن شدند، خودبه خود درجه بندی به وجود می آید و نیاز به سازماندهی جداگانه ندارد؛ و معلمان به صورت طبیعی از میان افراد فعال تر شناخته می شوند.^۴

اشکال از آنجا پیش آمد که قرآن، درسی شد

يك اشاره نقضی- بیان می کم و يك اشاره حلی- اشاره نقضی- این است؛ اشکال از آنجا پیش آمد که قرآن، درسی شد و [قالب] کتاب درسی پیدا کرد و در کنار سایر دروس مطرح شد.^۵

در سیره معصوم (ع) تعلیم کتاب الله و ا به نماز گروه می زدند

اشاره حلی این است که بنا را بر این بگذاریم که به جای سلیقه های فردی، گروهی و حتی تخصصی، به سراغ باور اسوه حسنه برویم. شیوه رسول الله (ص) و ائمه معصومین (ع) در صدر اسلام این بود که مسأله انس با قرآن را در تعلیم مورد توجه قرار می دادند و

۴ . همان.

۵ . صورت مذاکرات کارگروه تخصصی تدبیر و فرهنگ سازی انس با قرآن کریم (خرداد تا بهمن ۱۳۸۷)؛

جلسه هشتم، مورخ ۱۳۸۷/۴/۱۰

به مناسبت درگذشت معلم متخلق قرآن استاد محمدعلی لسانی فشارکی

تعلیم کتاب الله را به نماز گره می‌زدند. «واتل ما اوحی الیک من کتاب ربک و اقم الصلوة» در سنت پیامبر اکرم (ص)، قبل از نماز، خود نماز و بعد از نماز (در نماز واجب و در نماز مستحب) همه جا قرآن بود و با نماز گره خورده بود. تا زمانی که این مطلب را اساس قرار ندهیم، به جایی نمی‌رسیم. هر جا قرآن را در کنار نماز قرار دادیم و مثل نماز به آن نگاه کردیم، موفق شدیم. هر جا کنار چیزهای دیگر قرار دادیم و مثل درس‌های دیگر و در کنار آن‌ها قرار دادیم، مشکل پیش آمد. به عنوان مثال در مسأله نماز در دانشگاه‌ها، اگر مسجد را از مسأله برداریم و به نماز پردازیم، نماز محقق نخواهد شد. زیرا نماز، مسجد و نمازخانه می‌خواهد. درباره کانون قرآن هم چنین است؛ تا با مشخصاتی که در شأن قرآن است شکل نگیرد، مثل مسجد و حسینیه نباشد، طبیعی و خودجوش نباشد، در هایش باز و همگانی نباشد، به هر ترتیبی بخواهیم برای آن فرهنگ‌سازی کنیم، به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. کما اینکه در لسان احادیث، مصحف را قرینه مسجد می‌دانیم یعنی مصحف‌نگاری و تهیه مصحف، مثل مسجد ساختن و تعمیر و آباد کردن مساجد دیده شده و تلاوت قرآن مثل نماز. این‌ها را باید اساس قرار دهیم. اگر صرفاً به دنبال فرهنگ‌سازی برای انس با قرآن باشیم و به نماز توجه نداشته باشیم، به جایی نمی‌رسیم که همه

قرآن می خوانند، ولی نماز نمی خوانند و مسجدها خالی می شود. در چنین شرایطی نه تنها کاری نکرده ایم بلکه نقض غرض هم مرتکب شده ایم.^۶

اهمیت آموزش قرآن در سنین پایین

اساس و پایه آموزش قرآن ناصحیح شکل گرفته است. در اینکه آموزش قرآن باید در سنین پایین شروع شود شکی نیست. در مورد اینکه جامعه امروز آزادی عمل و انتخاب بیشتری دارند و رقبا در جذب ذسل جدید موفق ترند، به نظر بنده اگر از سنین پایین مزه کلام الله به فرد چشمانده شود، جایی برای رقبای دیگر باقی نخواهد ماند. همه چیز به مرحله قبل از بلوغ برمی گردد. «العلم فی الصغر کالتقش فی الحجر». اگر یهودیان نتیجه گرفتند به همین خاطر است. موفقیت افرادی مثل اینشتین و داروین نیز به این خاطر است که آغاز آموزش این افراد چیزی شبیه مکتب خانه های قدیم خودمان است. لذا در آموزش عمومی قرآن باید در پایه و اساس متمرکز شد و دنبال راهکار باشیم و از چیزهایی که ایده آلی است، جدا شویم. به عنوان مثال در دوره ابتدایی خیلی خوب است که دانش آموز قرآن را بفهمد، تفسیر، تحلیل و بیان قرآنی داشته باشد ولی آنچه عملی است این است که دنبال سازوکاری باشیم که فرد با متن قرآن راحت و آشنا باشد؛ مراد از آشنایی این است

۶. همان

که فرد بعضی- از عبارات را حفظ و با بعضی- دیگر آشناست و سوره‌ها و آیات قرآن را می‌شناسد.^۷

چگونگی شروع و پایه آموزش قرآن (اهمیت شنیدن قرآن)

اما نکته اساسی در مورد چگونگی شروع و پایه آموزش قرآن اینکه، آغاز آموزش قرآن باید شنیدن قرآن باشد نه روخوانی. شروع آموزش قرآن با روخوانی، در سنت جایگاهی ندارد. اینکه آموزش قرآن از پیش دبستانی شروع شود طبیعتاً باید از طریق گوش باشد نه آموزش روخوانی و اعراب. این سِر و حکمت بزرگی است که وقتی آموزش قرآن از گوش شروع شود در قلب و دل می‌نشیند چرا که ارتباط مستقیمی بین این دو برقرار است. دلیل عدم موفقیت کنونی در آموزش قرآن، شروع آن با آموزش روخوانی است، در حالی که قرآن آموز ابتدا باید در فضای کلام الهی قرار گیرد. روخوانی فنی است که وقتی فرد آن را آموخت به این خیال که دیگر آن را آموخته، ارتباط و انس چندانی با قرآن برقرار نمی‌کنند. در آموزش قرآن، روخوانی مسأله مهمی است ولی مرحله بعد از شنیدن است. اینکه گفته شد در گذشته انس افراد با قرآن بیشتر بوده به

۷. صورت مذاکرات کارگروه آموزش قرآن کریم (از اردیبهشت ۸۷ تا اسفند ۸۸)؛ جلسه اول، مورخ ۱۳۸۷/۲/۲۴.

این خاطر است که در مکتب‌خانه‌ها آموزش قرآن با خواندن از روی متن و اعراب شروع نمی‌شد بلکه گام اول آموزش قرآن، شنیداری بوده است.^۸

شناور بودن تعلیم کتاب الله

تعلیم کتاب‌الله در سنت و سیره و آنچه در اختیار ماست و در خود کتاب‌الله يك مسأله کاملاً شناور برای تمام عمر و حتی برای تمام عمر به اضافه بعد از تمام عمر تلقی شده است. طبق این حدیث از امام صادق (ع) که فرمودند «ینبغی للمؤمن ان لایموت حتی یتعلم القرآن أو یکون فی تعلمه» و با توجه به اصطلاح‌شناسی احادیث اهل بیت این همانی است که ما می‌خواهیم یعنی همان مؤمن تراز مکتب اسلام و تراز مکتب تشیع و آن چیزی که پیغمبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (س) می‌خواهند. این مؤمن می‌تواند تا آخر عمر عادی که داشته یعنی بچگی داشته، بلوغ داشته، ازدواج کرده، بچه‌دار شده، عروس و داماد پیدا کرده و امثال آن، می‌تواند دو حالت برایش پیش‌بینی کرد که یا عالم به کتاب‌الله است یا در حال تعلم است و این فردی که در حال تعلم است در دیدگاه ائمه معصومین از جمله این حدیث یکسان دیده شده با کسی که یعلم کتاب‌الله یا یعلم القرآن یا یتعلم القرآن، تا این حد مسأله شناور است. به عبارت دیگر من مکرر از برخی علمای عاملین شنیدم و يك عبارت بسیار کارساز است که فکر می‌کنم برای این کارمان خیلی مهم است. ایشان

^۸ . همان.

می فرمودند که قرآن برای تمام عمر انسان است؛ این ماحصلی بود که از قرآن و حدیث گرفته بودند. یعنی قرآن را خدا طوری قرار داده که برای همه عمر یک مسلمان است و همه جا این مطلب به طور شناور دیده شده است. جالب این است که فرمایش رهبر معظم هم، چون مبتنی بر قرآن و حدیث است، همان می شود که ما می خواهیم. یعنی اهل این مملکت که قرار است مسلم و مؤمن باشند دائم در حال تعلیم کتاب الله یا عالم به کتاب الله باشند.^۹

قیود استمرار آموزشی قرآن

تأکید می کنم که استمرار آموزش، حتماً باید با قیودی همراه باشد: اولاً هیچ جنبه سلبی نباید داشته باشد. باید یک فرصت باشد. چیزهایی مثل نمره، درج در کارنامه یا اثرگذاری در سرنوشت تحصیلی، باید کاملاً حذف شود و فقط جنبه ایجابی داشته باشد. ثانیاً هیچ رئیس یا سرپرستی نیز نباید داشته باشد. همانند طرح قانون قرآن که از دو بخش تشکیل شده است. یک ستاد پشتیبانی که شامل نهاد رهبری، منتخب اساتید، دارالقرآن و هر کس که بخواهد تأثیرگذار و سیاستگذار باشد. اینها در شورای پشتیبانی هستند و خود را ظاهر نمی کنند و فقط نظارت، یادآوری و حمایت می کنند و دوم صحنه که خود دانشگاهیان صحنه را اداره می کنند.^{۱۰}

۹. صورت مذاکرات کارگروه آموزش قرآن کریم (از اردیبهشت ۸۷ تا اسفند ۸۸)؛ جلسه سوم، مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱.

۱۰. صورت مذاکرات کارگروه تخصصی تدبیر و فرهنگ سازی انس با قرآن کریم (خرداد تا بهمن ۱۳۸۷)؛

جلسه دوم، مورخ ۱۳۸۷/۲/۳۰.

۲. تدبر در قرآن کریم

امکان تدبر در قرآن

طی سالیان زیاد، فرهنگ‌سازی‌های منفی سبب شده که مردم، منکر وجود امکان تدبر فطری قرآن در وجود خود باشند. لذا اجرای طرح‌های آموزش تدبر، جهت تحریک و غلیان چنین امر فراموش شده‌ای، ضروری است.^{۱۱}

قرائت همراه با تدبر

نگرانی بنده این است که نکند پروژه‌های ترویج و آموزش تدبر در قرآن در کشور که برای تشویق مردم به قرائت همراه تدبر اجرا می‌شود، منشأ ترویج تدبر منهای قرائت شود. لذا همان‌طور که قرائت بدون تدبر، زیاد قابل توجه نیست، تدبر بدون قرائت و صرفاً مطالعه قرآن نیز پسندیده نیست.^{۱۲}

حد و مرزهای بین تدبر و تفسیر

دیگر اینکه، به علت انس بیشتر مردم با تفسیر قرآن، ممکن است با وجود مشخص کردن حد و مرزهای بین تدبر و تفسیر، عملاً وارد تفسیر شویم. لذا در تعریف تدبر، همراهی

۱۱. صورت مذاکرات کمیسیون پژوهش‌های قرآنی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (از آذر ۸۳ تا تیر ۸۸)؛ جلسه ششم، مورخ ۸۴/۲/۱۷.

۱۲. همان.

تدبر به هنگام تلاوت و نه پس از آن، باید گنجانده شود. در لسان ائمه معصومین آمده که

«... ولا تجعل قرائتی قراءه لا تدبر فیها»، «... ولا تجعل قرائتی هدراً»^{۱۳}

بازسازی موقعیت آیات در زمان نزول

در متن خود قرآن و همراه نزول آن، روش مندی نیز مندرج بوده است. چرا که پیامبر اکرم به جز چند مورد نادر هیچوقت يك عبارت و يك آیه از قرآن را به عنوان وحی بیان نکردند، بلکه يك مجموعه و سیاق منسجم را به مردم ابلاغ می کردند. در این صورت بازول چند سیاق در چند دفعه، ارتباط فیابین هم لحاظ می شده است. در حال حاضر طرح تدبر باید به بازسازی موقعیت آیات در زمان نزول آن بپردازد.^{۱۴}

تدبر ترتیبی پیش نیاز تدبر موضوعی

اگر بدون عبور از مرحله ترتیبی تدبر و تبعیت از تدبیر الهی در بیان قرآن وارد تدبر موضوعی شویم، نقض غرض می شود و ذهن ها به سمت جمع بندی های ارائه شده متمرکز می شود. مگر این که تدبر ترتیبی را به عنوان پیش نیاز تدبر موضوعی لحاظ کنیم.^{۱۵}

۱۳. همان.

۱۴. همان.

۱۵. صورت مذاکرات کمیسیون پژوهش های قرآنی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (از آذر ۸۳ تا تیر

۸۸)؛ جلسه هشتم، مورخ ۸۴/۳/۲۸

پرهیز از انحصار تدبیر قرآن

زمانی که گفته شود تدبیر پیشنهادی ما، این نحوه تدبیر، این نمونه تدبیر و تعبیراتی از این قبیل، بسیار خوب است، اما انحصار تدبیر قرآن در این نوع از تدبیر، نقض غرض می‌کند. لذا این روش تدبیر جهت گشودن راه تدبیر است نه محدود کردن افراد به روش.^{۱۶}

تدبیر فتح باب هی کند

در تأملاتی که سال‌ها در رابطه با قضیه تدبیر و واژگان همراهش در قرآن، کم و بیش داشته، همیشه به این نتیجه که رسیدیم این موارد دنباله تدبیر هستند. یعنی تدبیر فتح باب می‌کند، یعنی همان که قرآن می‌فرماید: «ام علی قلوب اقفالها» و علت این که تدبیر در همه جا مطرح شده این است که همه کار تدبیر است. وقتی تدبیر انجام شد، به میزانی که انجام شود و ادامه و استمرار پیدا کند، آن‌ها به دنبال تدبیر می‌آیند و دیگر لزومی ندارد به آن کلمات اشاره کنیم. البته در کتابی سعی شده بود این واژگان را رمزبندی کنیم. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که این‌ها تعابیر مختلفی از یک فرآیندند و آن هم باز محصول تدبیر است. فرآیندی که به دنبال تدبیر می‌آید، یک فرآیند بیشتر نیست و قرآن کریم آن را با تعدد تعابیر نشان داده است، یعنی این فرآیند هم تعقل است، هم تذکر، هم تفقه، هم تفکر و هم علم و واژه‌ای که به آن اشاره نشد.^{۱۷}

^{۱۶} . همان.

^{۱۷} . صورت مذاکرات کارگروه آموزش قرآن کریم (از اردیبهشت ۸۷ تا اسفند ۸۸)، جلسه هفتم، ۱۳۸۷/۵/۱.

لزوم توجه به نظام موجود در کلی قرآن

عدم توجه به نظام موجود در کل قرآن سبب می‌شود که انسان با پراکندگی و آشفتگی در قرآن روبرو شود. اما توجه به نظام قرآن کریم مثلاً سوره‌های قرآن در روش از تدبر مبنا، موفقیت طرح را تضمین می‌کند.^{۱۸}

تدبیر مصنوعی کارساز نیست

تدبر دو نوع است: طبیعی و مصنوعی. مسلماً تدبر مصنوعی کارساز نیست. تدبر از باب تفعل است. باید به صورت طبیعی اتفاق بیفتد. یک تدبیر در قرآن حاکم است و تدبر تابع آن تدبیر است که باید خود به خود اتفاق بیفتد. با دقت در احادیث و سیره معصومین (ع) معلوم می‌شود که در خواندن و آموزش قرآن، تدبیر شکل گرفته و پیش‌بینی شده است. آموزش می‌تواند به گونه‌ای باشد که فرائد، همراه با تدبیر باشد. این تدبیر، تدبیر طبیعی است و انس شخص با قرآن ادامه می‌یابد و نمودهایی مثلاً در شعر شاعران پیدا می‌کند. وقتی این وضع طبیعی نباشد، در محصولات بعدی، مثلاً نخبگان و تحصیل کرده‌ها این وضع ایجاد نمی‌شود و تدبیر مصنوعی، امتیازی ندارد.^{۱۹}

۱۸. صورت مذاکرات کمیسیون پژوهش‌های قرآنی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (از آذر ۸۳ تا تیر

۸۸)؛ جلسه هشتم، مورخ ۸۴/۳/۲۸

۱۹. کارگروه تخصصی تدبیر و فرهنگ‌سازی انس با قرآن کریم (خرداد تا بهمن ۱۳۸۷)، جلسه اول، مورخ

۳. آموزش علم قرآن

دانشگاه جامع قرآن

من عرایض خود را به فرمایشات آقای فریدونی [درباره ضرورت تربیت متخصص بین‌رشته‌ای مانند رشته آموزش قرآن و ابتدایی که دو کارکرد دارد. یکی، تدریس دروس ابتدایی و دیگری مربی‌گری در مراکز قرآنی] عطف می‌کنم. همچنین در مورد ایراد آقای امین مقدسی مبنی بر آینده‌نگری تقاضای دانشجویان نسبت به این رشته‌ها، با تجربه تدریس خود فکر می‌کنم، باید به دقت بررسی شود، تا به موازات مطالعه رشته‌های علوم قرآن و حدیث، نیازسنجی آن رشته‌ها انجام شود. تاکنون به این مطلب فکر نشده است. دانشجو پس از چند سال درس خواندن تنها دلخوش به این است که از دانشگاه يك مدرک می‌گیرد. این شهود عینی من است که تقریباً استثنای ندارد، یعنی خیلی زود از افراد سلب‌انگیزه می‌شود. افرادی دکترای علوم قرآنی می‌گیرند ولی روحوانی بلد نیستند. معلوم می‌شود هیچ تعریفی در بدو کار نبوده است.

يك پیشنهاد مؤکد می‌دهم، انشاءالله حالا که قرار است کار اساسی شود، يك عزم ملی خصوصاً در وزارت آموزش عالی برای الحاق رشته‌های علوم قرآن و حدیث به این دانشگاه جامع اتفاق بیفتد. اگر اینطور شد معلوم می‌شود آن‌ها در مسیر انحطاط بودند و باید منحل شوند. من این موضوع را حتی در بعضی از مصاحبه‌ها گفته‌ام و همیشه با آن برخورد شده است که شما می‌خواهید قرآن را منحل کنید. در صورتی که انحلال این رشته علوم قرآن و حدیث، به گونه‌ای که نباید تأسیس و اداره می‌شده ربطی به انحلال قرآن ندارد. اساتید

امثال بنده همه جا هستند. من همین لحظه عرض می‌کنم بی قید و شرط آمادگی انتقال قطعی به دانشگاه جامع علوم قرآنی را دارم. در صورتی که چندین بار پیشنهاد ریاست دانشکده علوم قرآنی به بنده شده است؛ ولی من حتی روی آن فکر نکرده‌ام.^{۲۰}

مخاطره‌ای در باره تدریسی دروس معارف

به فاصله سال‌های ۶۲ تا ۶۴ در ارتباط با ارائه دروس معارف در دانشگاه شهید بهشتی تجربه‌ای دارم که عیناً عنوان می‌کنم:

زمانی که تدریس دروس معارف اسلامی را به‌عهده بنده می‌سپردند این گونه تشخیص دادم که اگر بخواهم با کتاب و جزوه و متن درس پیش روم با مشکلات فراوانی روبه‌رو خواهم شد، کما این که مشکلات درس معارف اسلامی از همان هنگام در دانشگاه مطرح بود. کاری که من می‌کردم این بود که روز اول یک خط وسط تخته می‌کشیدم و یک طرف می‌نوشتم معارف اسلامی و طرف دیگر معارف قرآنی، بعد می‌گفتم به‌من گفته‌اند معارف اسلامی درس بده ولی من بنا دارم معارف قرآنی تدریس کنم و بعد هم کم‌کم خود بچه‌ها در کلاس قرآن می‌آوردند و ارجاع به خود قرآن می‌شد. محتوای درس هم بحث‌های موضوعی قرآنی بود که به انتخاب و بارای خود دانشجویان صورت می‌گرفت و برای امتحان بخش‌هایی از کتاب معارف اسلامی مشخص می‌شد که می‌خواندند و امتحان می‌دادند. به هر حال این شکل کار

۲۰. صورت مذاکرات کمیسیون پژوهش‌های قرآنی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (از آذر ۸۳ تا تیر

۸۸): جلسه ۴۴، مورخ ۸۶/۸/۱۲

به مناسبت درگذشت معلم متخلق قرآن استاد محمدعلی لسانی فشارکی

باعث افزایش تعداد دانشجویان به میزان ۳ برابر ظرفیت موجود در هر کلاس می‌شد و بنده همیشه در تشخیص اعضای اصلی کلاس مشکل داشتم.^{۲۱}

۴. انس با قرآن کریم

انسی مستمرا با قرآن کریم از طریق حفظ

در انس با قرآن کریم به طور مستمر، شرط و رمزش همان حفظ برخی از آیات و سوره قرآن کریم است. تصورم این است، کسی که از آیات قرآن کریم هیچ حفظ نداشته و درصد حفظ قسمت‌هایی از قرآن کریم هم نباشد، حتی اگر مرتب قرآن بخواند و ختم‌های متعدد قرآن هم بکند، انس مستمر با قرآن کریم ندارد.^{۲۲}

هل عندك من القرآن شيء

عبارت حدیثی بسیار جالب است؛ «هل عندك من القرآن شيء...» مسلمانان به مسلمان دیگری می‌رسد و می‌پرسد: «هل عندك من القرآن شيء...» آیا چیزی از قرآن در قلبت داری که الآن اگر از تو بپرسم بتوانی همین جا برای من بخوانی، مثل کاری که جعفر طیار (رض) در حبشه کرد. وی در پاسخ از سؤال درباره قرآن و پیغمبر، گفت:

۲۱. کمیسیون فعالیت‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲.

۲۲. صورت‌مذاکرات کارگروه آموزش قرآن کریم (از اردیبهشت ۸۷ تا اسفند ۸۸)، جلسه هشتم، مورخ

۱۳۸۷/۵/۲۵.

پیغمبری است که از جانب خدا برای ما آمده، چنین نظری را دارد و کتابی را برای ما می‌خواند که این هم آیاتش است و شروع کرد قسمتی از آیات مربوط به حضرت مریم را قرائت کرد.^{۲۳}

حفظ قرآن مقدمه انس با قرآن

بهترین چیزی که با توجه به لسان احادیث انس و ارتباط مستمر با قرآن را می‌توان با آن کنترل کرد، حفظ است. اگر انس در ارتباط مستمر با قرآن را در فضای احادیث ببریم، ذیل انس مقدمات حفظ است. یعنی کسی که در صدد است قسمتی از قرآن را حفظ کند، او انس با قرآن را شروع کرده است. مستمر هم مطابق بیان احادیث، حفظ همین حفظ است که بسیار به آن توجه می‌شود. اگر کسی سوره‌ای را حفظ کرد، باید مراقبت کند که فراموش نکند و حتی چیزی شبیه به کیفر و عذاب را در لسان احادیث می‌بینیم. از ظاهر احادیث چنین برمی‌آید که اگر کسی سوره‌ای را حفظ نکند، تهدیدی ندارد. ولی کسی که سوره‌ای را حفظ کند بعد آن قسمت از قرآن را از یاد ببرد، مثلاً چنین می‌شود که همان سوره در قیامت مجسم می‌شود و در برابر او قرار می‌گیرد و یاد در قبر به سراغ او می‌آید و می‌گوید مرا می‌شناسی؟ می‌گوید: نه. آن سوره ظاهر شده می‌گوید: من سوره فلانی هستم

به مناسبت درگذشت معلم متخلق قرآن استاد محمدعلی لسانی فشارکی

و الآن که متأسفانه مرا فراموش کردی با تو نیستم و اگر فراموش نکرده بودی من با تو بودم. این را فقط با چنین حالتی می توان در نظر گرفت که این احادیث مقوله انس را که دنبالش هستیم، عینی می کند. وقتی که ما این طور ببینیم که این انس و ارتباط مستمر با قرآن کریم، مصداق اجلی و اتمش همین است که مشخص در صدد است که قسمت هایی از قرآن را سوای مصحف، در وجود خودش جادهد و قلبش را وعای قرار دهد و این ارتباط را ادامه می دهد تا آن را کامل کند و در این انس و ارتباط استمرار و اصرار دارد که آن را از دست ندهد. بعد اتصالی که در احادیث بین همین مسأله با قرائت نماز، چه نمازهای فریضه و چه نمازهای نافله، دنبال می کند، اساسش این است که از امام (ع) سؤال می کند، کسی - سوره ای دیگر از قرآن غیر از توحید و قدر، را می تواند در نماز بخواند، چه کند؟ حضرت فرمودند: حتماً آن سوره دیگر را بخواند. البته اینجا باید توجه داشته باشیم، در حال نماز، به خصوص که انصراف این حدیث مطلق است و به هر حال نماز فریضه را هم شامل می شود، از روی متن نگاه کردن مکروه است و خود به خود منصرف به این است که شخص سوره ای دیگر را در صدد باشد تا حفظ کند. تا حال همیشه در نماز، سوره توحید و قدر را می خوانده، از این به بعد بتواند سوره کافرون یا زلزال را بخواند. در ادامه سؤال می کند، اگر نکند چه می شود؟ حضرت می فرماید: «وفی ذلك اضاءات القرآن». فرد در واقع قرآن را از حیطة خودش بیرون گذاشته، به نحوی که خود را تباه کرده است. آیا

نباید در صدد این بود که اگر بشود سوره زلزال را حفظ کرد و در نماز خواند. حتی سوره‌های دیگری نظیر انفطار، که نص در روایات است. به اضافه این که اگر نماز را اعم از نافله و فریضه بگیریم، سوره نیز در لسان احادیث و هم چنین کاربرد قرآنی، لزوماً يك سوره کامل که با «بسم الله» شروع می‌شود، نیست. سوره مجموعه‌ای از آیات است. یعنی آیاتی که نازل می‌شد، این چند آیه متصل را نیز سوره نامیده‌اند. در احادیث هم همین‌طور است. شخص به هر حال باید دائم در صدد این باشد که این سوره، یعنی این بهره‌های قرآنی را که چند آیه، چند آیه است و گاهی يك آیه، اضافه کند و در قلب خودش جا دهد. و این مصداق اتم و اجلای انس و ارتباط مستمر است. در کنار این، در احادیث تعبیراتی داریم که جایگزین همین انس هستند و همه به همان مسأله حفظ برخی از آیات و سور برمی‌گردند.^{۲۴}

تعاهد به قرآن

مقوله انس با تعبیر انس در احادیث، بسیار محدود است. دوالی سه روایت بیشتر نیست. ولی تعاهد یعنی دائم سرزدن، سرکش کردن به قرآن است. انصراف اولیه تعاهد به قرآن باز کردن نیست. درست است باز کردن قرآن يك نوع تعاهد است ولی زمینه احادیثی

به مناسبت درگذشت معلم متخلق قرآن استاد محمدعلی لسانی فشارکی

که تعاهد در آن است این است که شخص بخشی از قرآن را در ذهن و قلب خودش دارد و سرکشی می‌کند و ببیند هنوز هستند یا از دست رفته است. مبدا این‌ها به نسیان منجر شود و از آن‌ها محروم شود.^{۲۵}

استظهار قرآن

در کنار آن «استظهار» را داریم. یعنی سعی کند به زبان بیاورد و ببیند که می‌تواند بدون مصحف، آیات را به زبان بیاورد و هر قدر نتوانست، به مصحف مراجعه کند و دائماً سعی کند این استظهار را بیشتر کند و از برکت آن بیشتر استفاده کند.^{۲۶}

استذکار قرآن

هم چنین «استذکار» را داریم یعنی به یاد آوردن آیات است. لازمه همه این‌ها، وجود آیات در قلب و ذهن انسان است.^{۲۷}

۲۵. همان.

۲۶. همان.

۲۷. همان.

مداومت و ادمان

هم چنین «مداومت و ادمان» را داریم که به بخشی-از قرآن برمی گردد. مثلاً مداومت سوره یاسین یا مداومت سوره فتح و ادمان سوره کهف. تعبیراتی که در رابطه با سوره‌ها داریم چه در ارتباط با احادیث ائمه اطهار و چه در احادیث نبوی، حتی اگر بعضاً این احادیث را ضعیف تلقی کنیم، به هر حال بعضاً این احادیث در فضای صدر اسلام شکل گرفته و حداقل بازگوکننده فضای تعامل مسلمان‌ها با قرآن است. فرق ادمان و مداومت این است که مداومت يك تناسب پیوسته‌ای دارد مثلاً مداومت سوره فتح، طبعاً به این معناست که هر روز یا هر شب سوره فتح را بخواند. ولی ادمان سوره کهف، معمولاً در احادیث قید در هفته یا در ماه را دارد. این مداومت و ادمان، در واقع همان شروع حفظ است و کسی که مداومت و ادمان را با انگیزه و علاقه انجام می‌دهد به حفظ منجر می‌شود و اگر تعلق خاطر نباشد نتیجه نمی‌گیریم. باید زمینه‌ای را دنبال کنیم که مشخص شود چه کسی تعلق خاطر دارد؟ زیرا اگر تعلق خاطر برای دو چرخه باشد و سوره را حفظ کند، از بحث ما خارج است. پس کسی در بحث ما وارد می‌شود که در صدد است این سوره را در قلب خود جا دهد و با علاقه و تعلق خاطر سعی می‌کند هر روز بخواند و آرزو دارد تا روزی به مصحف نیاز نداشته باشد. مثلاً بتواند سوره فتح را بخواند یا هفته‌ای يك بار سوره کهف را بخواند. این فرد از این جا شروع می‌کند، مدتی می‌گذرد و به حفظ نسبی

می‌رسد که همان حمل قرآن است و در لسان احادیث به حمله قرآن نامیده می‌شود، هر چند حافظ آن نیست و به تدریج حفظش کامل می‌شود. و اذسش تعریف شده است. البته باید مراقب باشد این حفظش از دست نرود. که با تناوب خواندن‌های سنجیده و حساب شده می‌تواند مراقب باشد تا از دست نرود و همین اصراری که بر مراقبت از حفظ دارد آن افس و ارتباط مستمری است که مادر پی آن هستیم.^{۲۸}

لزوم حرکت زیربنایی در فرهنگ‌سازی افسی با قرآن کریم

چرا به سمت محدود کردن مخاطب برویم؟ قبل از این که موارد و مصداق‌ها را طبق نظر مقام معظم رهبری برشمریم، توجه به این نکته لازم است که محور سخنانشان فرهنگ عمومی و به طور خاص فرهنگ افسی با قرآن است. از طرفی، مخاطبشان شورای عالی انقلاب فرهنگی است که وظیفه‌اش فرهنگ‌سازی در جامعه است. مطالبه ایشان این است که تدبیر و فرهنگ‌سازی کنید. این مانند این است که پزشکی به جای یافتن علت اصلی بیماری به دنبال مداوای موضعی برود و یا اینکه باغبانی به جای کاشتن درختی که میوه دهد، میوه‌ها را به وسیله‌ای به شاخه‌های درخت بچسباند. مسأله فرهنگی در یک چنین مثالی مورد توجه قرار می‌گیرد. پرداختن به موارد و مصداق، ما را از اصل مطلب دور می‌کند. اصل مطلب این است که کاری کنیم تا این مسائل درست شود. به نظر من اصلاً،

مراد رهبر معظم این نیست که افرادی که نمی‌توانند قرآن را به موقع بخوانند یا استشهد کنند، بگیرید و فعالیت‌هایی روی آن‌ها انجام دهید. بلکه مطالبه ایشان این است که زمینه‌ها و پایه‌ها را مورد توجه قرار دهید. این تحصیل کرده‌ها که انس با قرآن در میان آن‌ها نیست، از چه مسیری آمده‌اند که مطابق میل رهبری جامعه اسلامی نیست. بنابراین کل این حوزه، با تمام گستردگی‌اش مورد توجه قرار گیرد. آغاز کار باید مسأله فرهنگ انس با قرآن باشد. البته خیلی موافق هستم که شروع با افراد صاحب نظری باشد که بتوانند کل مسأله، جایگاه‌ها، نقاط چالش، ارتباطات و پیوندهایش را در سطوح مختلف جامعه مورد بررسی قرار دهند. اصلاً به اعتقاد من مسیر این نیست که يك گروه را مشخص کنیم. اگر این مسیر را طی کنیم ممکن است يك کارهایی کرده باشیم ولی کاری که از ما خواسته شده انجام نشده است. کار مطالبه شده این است که فرهنگ انس با قرآن وجود ندارد، مشخص نمایید که چگونه باید آن را به وجود آورد؟ بعد می‌توان در مراحل بعدی، اقشار جامعه را دسته‌بندی نمود. پس کل مسأله فرهنگ انس با قرآن باید زیر سؤال برود. اگر به طور مصنوعی به سراغ شاغلان دولتی تحصیل کرده برویم اشتباه است. حتی اگر به نتیجه هم برسیم - که بعید است - یعنی تا بیست سال آینده به تحصیل کرده‌ها، تعدادی از جملات قرآن را یاد بدهیم که آن‌ها را به کار ببرند حتی اگر مثبت بیندیشیم هیچ کاری نکرده‌ایم. ما باید از راه‌هایی برویم که اولاً، نقطه تمرکز کار و حرکت‌های زیربنایی که در درازمدت جواب

می‌دهد، باشد؛ ثانیاً، در کوتاه‌مدت راهکارهای دیگری وجود دارد که مثلاً به شکل شبکه‌سازی در جامعه به طور غیرمستقیم، در مراکز اصلی اثر بگذارد. مثل پزشکی نباشیم که به جای ریشه‌کشی اصل یک بیماری خونی که به صورت جوش خود را نشان داده، به سراغ مداوای تک‌تک جوش‌ها برود و همه این کارها، موجب اذیت بیشتر بیمار شود.^{۲۹}

حمل القرآن با انباشت اطلاعات متفاوت است

بین اطلاعات و علم فرق است. در زمینه قرآن و تدبر و تفسیر آن، حضرت امام (ره) می‌فرمودند که شخص ممکن است کتاب مفصلی در مسأله توحید بنویسد ولی خودش در توحید مشکل داشته باشد. واقعاً دو عرصه است. حمل القرآن و به عبارتی انس با قرآن، مسلماً با مبداران اطلاعاتی کردن یا انباشت اطلاعاتی متفاوت است؛ ولو در مورد قرآن و در ارتباط با آشنایی با قرآن و انس با قرآن باشد.^{۳۰}

۲۹. صورت مذاکرات کارگروه تخصصی تدبیر و فرهنگ‌سازی انس با قرآن کریم (خرداد تا بهمن ۱۳۸۷)، جلسه مقدماتی، مورخ ۸۷/۲/۹.

۳۰. صورت مذاکرات کارگروه تخصصی تدبیر و فرهنگ‌سازی انس با قرآن کریم (خرداد تا بهمن ۱۳۸۷)، جلسه اول، مورخ ۸۷/۲/۲۳.

آموزشی، تمام انسی با قرآن است و انسی با قرآن، تمام آموزشی

انسی با قرآن در اسوه حسنه (یعنی سیره پیامبر اکرم (ص) و بزرگان دین) همان آموزش است. آموزش، تمام انسی با قرآن است و انسی با قرآن، تمام آموزش. انسی با قرآن، جز استمرار آموزش برای همه، در همه جا و در همه شرایط و محیطها و مقاطع سنی، چیز دیگری نیست. در دانشگاه و دانشگاهیان هم، مسأله انسی با قرآن جز آموزش نیست. اگر دنبال چیز دیگری باشیم، فکرمی کم دچار دور باطل خواهیم شد. البته این مطلب به این معنا نیست که طرح‌هایی مانند طرح موفق تدبیر قرآن، طرح کلمات الهی یا طرح گزیده‌ها، نکته‌ها و ضرب‌المثل‌گونه‌ها، نفی شود. بلکه منظور، تأکید بر اصلی است که اگر نباشد، این کارها هم بی‌اثر خواهد ماند. به نظر من باید پایه رادرست بگذاریم تا هر چه در کنار آن آمد، اگر صالح بود بتواند جای خود را پیدا کند و اگر صالح نبود خود به خود کنار رود. آموزش یا استمرار آموزش در حقیقت همان آمیزش است که در پرتو استمرار آموزش قرآن مقدور است. همان است که پیامبر (ص) فرمودند: «اختلط القرآن بلحمه ودمه» انسان مسلمان شیعه، کسی است که تا آخرین لحظه در حال تعلّم قرآن باشد. همان‌گونه که امام صادق (ع) می‌فرمایند: «ینبغی للمؤمن ان لا يموت حتّی یتعلّم القرآن او یکون فی تعلمه». حتی علمای ما هم ادعای داشتن علم به قرآن نمی‌کنند.

بنابراین باید انسان در تمام عمر در حال یادگیری قرآن باشد. این همان چیزی است که به

معنای انس با قرآن است و ما می‌خواهیم برای آن فرهنگ‌سازی کنیم.^{۳۱}

اگر خلیل انسان، غیر قرآن باشد، «یا ویلتی» دارد

انس با قرآن در خود قرآن نیز آمده و محکم هم آمده است. درباره چگونگی بیان آن نیز، چون خداوند صلاح ندانسته انس را مطرح کند، نقطه مقابلش را مطرح کرده و در این مطلب حکمت بزرگی است. یعنی بیان يك مفهوم با اشاره به معنای مخالفش، تاراه را برای انواع سوءاستفاده‌ها ببندد. در قرآن آمده: «یا ربَّ اِنَّ قَوْمِ اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا». در سیاق قریب به این آیه شریفه، کلمه «خلیل» آمده، خلیل یعنی یار همراه، کسی که همیشه با انسان است. و در آن طرف صحنه می‌گوید: «یا ویلتی لِمَ اتَّخَذَ فُلَانًا خَلِيلًا» قرآن تأکید را بر این گذاشته که اگر قرار شد خلیل انسان، غیر قرآن باشد، «یا ویلتی» دارد و این به مراتب، قوی‌تر از این بیان است که توصیه می‌فرمود قرآن را خلیل خود بگیرد. این آیات در سوره فرقان است.^{۳۲}

موانع انسی با قرآن

آنچه مسأله انس با قرآن را که قاعدتاً باید مسأله ساده و همواری باشد، به معضل و مشکل تبدیل کرده، این است که همان کسان، چیزها و زمینه‌هایی که باید عامل انس با

۳۱. صورت مذاکرات کارگروه تخصصی تدبیر و فرهنگ‌سازی انس با قرآن کریم (خرداد تا بهمن ۱۳۸۷)،

جلسه دوم، مورخ ۸۷/۲/۳۰.

۳۲. همان.

قرآن می‌شدند، همان‌ها مانع انس با قرآن شده‌اند. مثلاً اگر قرار بود مادر عامل انس فرزندش با قرآن باشد، همو مانع شده است. این مطلب از این جهت اهمیت دارد که احیاناً به دنبال دسته‌بندی‌های مجزا برای عوامل و موانع نباشیم. توجه داشته باشیم؛ بسیاری از موانع، در بطن و متن عوامل مستتر هستند.^{۳۳}

امت وسط

بر اساس آموزه‌های قرآنی از يك جهت موظف هستیم با چشم و گوش باز آنچه را که دیگران به آن رسیده‌اند شناسایی کرده و بسنجیم. قرآن کریم، فعالیت در انزوا و حجاب را ممنوع کرده است: «الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدیم الله و اولئک هم اولوا الالباب» در این آیه هم خردمندی و هم هدایت یافتن مشروط شده است به اینکه با چشم و گوش باز، همه مسایل عالم دیده شود.

از سوی دیگر، صرف این بررسی‌های نظری ما را به جایی نخواهد رساند. با الهام از آیه «کنتم خیر امه اخرجت للناس...» می‌توان مدل تشکیل جامعه‌ای کوچک در داخل این جامعه بزرگ را طراحی کرد که با مدل‌های نظری هماهنگی داشته باشد تا صرفاً بحث نظری و انتزاعی در میان نباشد. هدف فعالیت‌های قرآنی پوشش آموزه‌های قرآن در کل

۳۳. صورت مذاکرات کارگروه تخصصی تدبیر و فرهنگ‌سازی انس با قرآن کریم (خرداد تا بهمن ۱۳۸۷)،

جلسه پنجم، مورخ ۸۷/۳/۲۰

جامعه است. هم اکنون پس از گذشت نزدیک به سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، چنین هدفی محقق نشده و شاید تا آینده دور هم محقق نشود. اما آنچه قبلاً به عنوان يك الگوی موفق، حاصل شده است، در زمان پیامبر (ص) و ائمه (ع) روی داده است. در اطراف این بزرگواران همواره يك امت وسط وجود داشته است که هم دوستان، این جامعه کوچک اطراف رهبران بزرگ اسلام را می‌شناختند و هم دشمنان به تفاوت این عده با دیگران اعتراف داشتند. نمونه این جامعه‌های کوچک با برنامه‌ریزی طی ۵ تا ۱۰ سال آینده قابل ایجاد است و این مکمل طراحی‌ها و بحث‌های نظری است. هر دوی این امور باید مد نظر باشد. باید از تخصص‌های مختلف کمک گرفته شود تا برای ایجاد يك جامعه کوچک شامل پزشکان، مهندسان و سایر مشاغل تراز قرآن، ارائه مدل شود.^{۳۴}

۳۴. صورت‌مذاکرات کمیسیون پژوهش‌های قرآنی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (از آذر ۸۳ تا تیر

۸۸)، جلسه ۱۸، مورخ ۸۵/۳/۲۷

